

بررسی عوامل بازدارنده رشد کار آفرینی در هنرهای صناعی^۱

مهناز سادات آل هاشم^۲

معصومه امیر اینانلو^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۶/۱۱

تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۰۳/۱۷

چکیده

کارآفرینی به نوعی تلاش اطلاق می‌شود که از طریق شناخت فرصت‌ها، مهارت‌های شغلی و ارتباطی در منابع انسانی، تحقق می‌یابد. ماحصل تلاش ارائه کالای جدید، روشی جدید در روند تولید، بازاری تازه، منابع جدید و در نهایت ایجاد هرگونه فرآیند تشکیلاتی جدید در صنعت کار و پیشه از جمله هنرهای صناعی است. مسئله، شناخت و ارائه راه کار برای اصلاح موانعی است که معمولاً در روند فعالیت و بهره‌نمایی در اثر قرار نگرفتن تحت پوشش حمایتی ارگان‌های دولتی، ایجاد می‌گردد. هدف اصلی، تحلیل و شناخت موانع برای جلوگیری از بازخوردها و کاربرد مفید است. در تحقیق حاضر نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که ایجاد بستر مناسب فردی، سازمانی، محیطی، آموزشی و پشتیبانی هدفمند در توسعه کارآفرینی گروه‌زنانی که اشاعه هنرهای صناعی را عهده‌دار هستند، از عوامل رشد و بازدهی مفید است و حمایت‌های مادی و ایجاد فضای مناسب، کارآفرینانی را که زمینه اشتغال و توان بالقوه تولید را دارند؛ اما به دلیل عدم سرمایه کافی و ابزار تولید و مکان مناسب برای عرضه تولیدات کالا و خدمات، حضوری در زنجیره کار و توسعه کشور را ندارند، برای فعالیت بهینه آماده می‌کند. از جمله اعطای تسهیلات اعتباری، حمایت وزارت کار و امور اجتماعی و دیگر نهادهای دولتی، سازمان‌های مرکزی تعاون روستایی، اداره کل صنایع دستی، سازمان بهزیستی، کمیته امداد امور مشارکت زنان و... که با بهره‌مندی از این مزایا، به‌طور فراوانی نیرو و توان کارآفرینان افزایش می‌یابد.

واژگان کلیدی: کارآفرین و کارآفرینی، عوامل بازدارنده در کارآفرینی، راه‌کارهای رشد در کارآفرینی.

ممدوح به شمار می‌آید و در غیر این صورت چیزی جز مانعی در راه رسیدن به هدف واقعی تلقی نمی‌گردد؛ اما مشکلات و موانعی که شاغلین زن در فضای کاری مدام با آن دست‌به‌گریبان‌اند، احتیاج به تحقیق و تحلیل دارد. در روند مقاله حاضر برجسته‌ترین موانع بررسی شده و راه‌کارها و پیشنهادهای از طریق آراء صاحب‌نظران و کسانی که در بطن مشکلات کارآفرینی هستند، جمع‌بندی گردیده است.

پیشینه پژوهش

در ایران پژوهش‌های کارآفرینی ابتدا از حوزه مدیریت برخاست و به تدریج در بین گروه‌های مختلف دانشگاهی، پژوهشگران و نادهای علمی متعدد رواج یافت. پژوهش‌های کارآفرینی که قدمتی نزدیک به چهل سال دارند، هنوز نیازمند توسعه‌ی بنیادهای نظری، تبیین و تدوین چارچوب‌های مفهومی و الگوهای تجربی و بهره‌گیری از روش‌شناسی‌های پژوهشی علمی مقتضی‌اند تا از رهگذر آن، سنت و هنجارها، بنیان‌ها، فرایندها، پیشرفت‌ها، قابلیت‌ها، ضعف‌ها و مرزهای آن شناسانده شود. علاوه بر پژوهشگران منفردی که در زمینه کسب و کارهای کوچک مشغول پژوهش هستند، مؤسسات و بنیادهایی نیز برای بالا بردن پژوهش در شرکت‌های جدید و با فناوری بالا شکل گرفته که روند پژوهش‌ها را به صورت حرفه‌ای دنبال می‌کنند. باید توجه داشت که نیروی اصلی پیش برنده‌ی پژوهش‌های کارآفرینی کشور، رقابت درونی برای انتشار مقاله است و تقاضای بازار و نیازهای متصدیان، نقش اندکی در شکل‌دهی به پژوهش‌های کارآفرینی داشته است. نظر فوق را شهناز ولکجی در موضوعی تحت عنوان «بررسی مزایا و معایب اشتغال در خارج از منزل زن در خانواده» در سال ۱۳۸۲ ارائه داده است. در مقاله «مشروعیت کارآفرینی به‌عنوان یک حوزه‌ی نوظهور» (۱۳۸۷) از قنبر محمدی البیاسی در نشریه مدیریت، شماره ۲۱ و کتاب «کارآفرینی: تعریف، نظرات، الگوها» از احمد پور داریانی (۱۳۸۴) تأکید بر این نظر است: سیاست‌های کشور به شکلی برنامه‌ریزی شده که ایران در سال ۱۴۰۴ تولید علم پیش‌تاز منطقه محسوب می‌شود؛ اما علی‌رغم آنچه گفته شد، کشور در تبدیل علم به عمل، ایده به پدیده و تجاری‌سازی یافته‌های پژوهشی که به فناوری قابل لمس در زندگی منتج می‌شود، جایگاه مناسبی در منطقه ندارد، یعنی پیشرفت فناوری منطبق و به موازات تولید علم رشد نکرده است.

در کشورهای در حال توسعه، معمولاً هر پروژه علمی که از مرکز تحقیقاتی خارج می‌شود باید به یک محصول

به مجموعه فعالیت‌هایی که در یک دوره معین انجام پذیرفته و در مقابل آن مزدی پرداخت می‌شود، کارآفرینی گفته می‌شود. صورت مسئله حاضر، بررسی موقعیت اجتماعی زنان شاغل است که عمدتاً به‌عنوان کارآفرین، ضمن احیای هنرهای صناعی (صنایع دستی) کسب درآمد نیز دارند؛ اما درآمدشان درخور انتظارشان نیست و درگیر موانعی در کسب و کار و محیط خانواده و... می‌گردند. سؤال این است که چرا عده‌ای از زنان در مشاغل بلاخص کارهای صناعی در شروع با انگیزه هستند و در آموزش‌های اولیه موفق‌اند؛ اما بعد از مدتی از نتیجه زحمتشان راضی نیستند و خرج و دخلشان باهم هماهنگی ندارد؟

هدف، شناخت این موانع، به دست آوردن راه مفید برای ارتقاء و بازدهی مناسب در کسب و کارشان است. برای رسیدن به هدف، فرضیات بسیار است؛ اما مهم‌ترین آن شناخت و تحلیل موانع اصلی مثل خانواده، مذهب، فرهنگ داخلی و خارجی، اقتصاد سیاست اجتماعی و موقعیت کاری است. از این جهت، با انتخاب هدفمند سی‌وهشت نفر از زنان شاغل کارآفرین با روش مصاحبه و مطالعات کتابخانه‌ای در حیطه دلایل و موانع کارآفرینی، باروش تحلیل کیفی و توصیفی، نتایجی به دست آمد. ترکیب جمعیت در جهان کنونی نشان‌دهنده آن است که نیمی از آن راه زنان تشکیل می‌دهند. به این لحاظ، توجه به استعداد و نقش زنان در چرخه اقتصادی و اجتماعی کشورها به‌عنوان نیروی کار ضرورت دارد. به همین دلیل «بسیاری از کشورها، در شرایط سخت اقتصادی خود توانستند با اتخاذ تدابیر و سیاست‌های ویژه نسبت به بهره‌مندی از نیروی کار زنان برای بحران‌های اقتصادی فائق آیند و یا در مسیر توسعه، با گام‌های سریعتر حرکت کنند.» (صابر، ۱۳۸۲: ۲۵)؛ بنابراین ارزش‌های پذیرفته‌شده‌ای از قبیل این که مرد رئیس خانواده است و زن باید به خانه‌داری بپردازد، فرصت‌چندانی برای کار در اختیار زنان قرار نمی‌دهد. آنچه مسلم است، یکی از موانع اولیه کار زنان در فرهنگ شرق، موقعیت خاص خانواده و باورهای دینی و فرهنگی جامعه او است.

مشکلاتی که زنان کارآفرین دارند تنها به یک یا دو مورد خلاصه نمی‌شود. تعدادی موانع در اغلب فرهنگ‌های جامعه بشری مشترک هستند و بعضی نیز در منطقه و قوم خاص اقلیمی قابل بررسی است.

اسلام نیز به کار و کارآفرینی زنان نظر دارد؛ اما کار را به‌عنوان وسیله و ابزاری تلقی می‌کند که با حفظ شرایط و خصوصیات برای تأمین روانی و معاش وسیله و ابزاری برای تقرب انسان به خدا و ثبات خانواده باشد. از این جهت

اثرگذار در زندگی جامعه تبدیل شود. به عبارتی دیگر، کارآفرینی که نتواند از یافته‌های پژوهشی خود به خوبی استفاده کند قطعاً با شکست مواجه خواهد شد. بنابراین شناخت عوامل رشد در کنار بررسی عوامل بازدارنده آن از ضروریات پژوهش در کارآفرینی به نظر می‌رسد که این مهم از مطالعات کیفی و متناسب با ماهیت پویا و پیچیده کارآفرینی به نتیجه خواهد رسید. موضوع «راه‌های توسعه کارآفرینی زنان در ایران از موضوعات مهم پژوهشی در ایران» (۱۳۸۲)، توسط فیروزه صابر، از جمله تلاش‌های پژوهشی موفق در کارآفرینی بود که ضمن شناخت موانع و محدودیت‌های گوناگون زنان کارآفرین، تدابیر و امکانات تجربه‌شده موجود را تا حدی با روش کمی در جهت رفع موانع کارآفرینی مورد مطالعه قرار داده است. نتایج این شناخت برای برنامه‌ریزی در جهت به‌کارگیری ظرفیت‌های کارآفرینی زنان و توسعه آن در سطح ملی تا حدی پویا بوده است و این امکان را به عناصر مؤثر در امر اشتغال به مدیران کارآفرین داد تا در جهت اقدامات عملی و مؤثر نسبت به جذب و پرورش استعداد‌های بالقوه زنان کشور در زمینه ایجاد کسب‌وکارهای جدید با دید علمی برخورد کنند و در جستجوی راه‌هایی برای توسعه کارآفرینی زنان، تا حدی همت گمارند. در ایران، هرچند تحقیقات مختلفی در خصوص تحلیل محتوا انجام شده است؛ اما در رابطه با بررسی عوامل بازدارنده برای رشد کارآفرینی، آن‌هم در گستره هنر اگر پژوهشی بوده غیر منسجم و پراکنده بوده و چارچوب‌های پژوهشی موردتوافقی که کاربردی نیز باشند به دست نیامده است. امید است با کمک پژوهش حاضر از معضلات و مشکلات کیفی کارآفرینی کاسته شود.

مبانی نظری

در هزاره سوم، گذشت زمان نشان داد، در شرایطی که مشکلات اقتصادی اغلب گریبان گیر جهان سوم است، اعتقاد کارآفرین ایرانی نیز پیرو نظریه افلاطونی نیست زیرا هنر همانند سایر علوم اجتماعی بایستی برای تکامل فکری نوع بشر مفید و دارای بار معنایی باشد، در غیر این صورت، اثری که صرفاً جهت (هنر برای هنر) خلق شود چندان پایدار نمی‌ماند و در حد نمایشگاه و گالری کوتاه‌مدت مخاطب دارد؛ پس «بهتر است درون‌مایه مخلوقات هنری را با بهره جستن از هنر بومی و اصیل هویت تازه‌ای ببخشیم.» (بخت‌آور، ۱۳۸۴: ۴۲۰).

با تعمق و پشتیبانی از هنرهای اصیل کشور و حمایت کارآفرینان مدافع این هنر که چهره واقعی آن را در روستاها و عشایر با وضوح بیشتری می‌بینیم، مطمئناً جلوه‌های جدید و خلاقانه احیاشده و با قومیتی ماندنی

جای وسیعی نه‌تنها در ایران بلکه در بازار بین‌المللی هم باز خواهد کرد.

موانع اصلی در اشتغال‌زایی به چند دسته تقسیم می‌شوند: ۱- مذهب ۲- خانواده ۳- فرهنگ و جامعه ۴- موقعیت اجتماعی و شغلی که در ادامه به توضیحشان خواهیم پرداخت:

مذهب

از نظر اسلام، شرکت زنان در مشاغل و فعالیت‌های مثبت و سازنده اجتماعی ممنوع نیست. در تاریخ اسلام می‌خوانیم که در عصر پیامبر (ص) حتی گروهی از زنان به‌عنوان حرفه مقدس به میدان جنگ می‌رفتند تا به سربازان مجروح کمک کنند. مهم‌تر اینکه همیشه در روستاهای ما رایج بوده که زنان همانند مردان به‌طور فعالانه در امر کشاورزی و باغداری و مانند آن شرکت داشتند و تاکنون هیچ‌یک از علمای دینی از این کار جلوگیری نکرده‌اند؛ البته برداشت‌های غلط از گفتار پیامبر اسلام در این رابطه به ضرر زنان و سبب تعصب بی‌مورد خانواده‌های عوام گردیده است. از پیامبر (ص) نقل شده که خطاب به زنان فرمودند: «دین و عقل شما از مردان ناقص‌تر است و زنان علت را سؤال کردند، پیامبر (ص) فرمودند: شهادت هر یک از شما نصف شهادت یک مرد است.» (ابن عربی، ۱۴۰۷: ۲۵۳).

«کاملاً آشکار است که در استدلال به این سخنان، اشکال بزرگ صادره به مطلوب بودن کلام وجود دارد؛ زیرا نقصان عقل، عدم اعتبار یا نصف بودن اعتبار شهادت زن بیان شده است که اگر برای اثبات عدم اعتبار شهادت زن به ناقص‌العقل بودن او استناد شود، دور باطل به وجود خواهد آمد. مستندات قوی عینی و تجربی و وجود افراد برجسته در میان زنان، به‌شدت این تفکر جاهلی را تضعیف می‌کند.» (ابن عربی، ۱۴۰۷: ۲۵۳).

خانواده

«آندره میشل» در تحقیق این باب، اشاره می‌نماید که در نظر او، در ابتدا زنی که شاغل است بایست موفقیت زندگی زناشویی خود را تضمین کند و الا شاغل بودن او غیر از ضرر منفعت دیگری ندارد. «اما او با آشکار ساختن تفاوت‌های ناشی از سطح تحصیل و پایگاه اجتماعی حرفه‌ای، نشان می‌دهد که همبستگی بین رضایت زن در رضامندی درونی زوجین از زندگی زناشویی و شغل او، به‌هیچ‌وجه مشخص و بی‌نقص نیست؛ به مفهومی دیگر، داشتن شغل زن متضمن آن نیست که ارضاء شخصی را تجربه کند و از زندگی بادوامی برخوردار شود.» (ولکچی، ۱۳۸۲: ۶۱۰). «مارتین سگالن» نیز ضمن اشاره به تحقیق

خانم آندره میشل اظهار می‌نماید: «در اکثر موارد امروز، اشتغال زن یکی از علت‌های بروز شکاف و اختلاف در خانواده است؛ زیرا هنگامی که رقابتی بین شغل‌های زن و شوهر بروز می‌کند نتیجه آن نه افزایش بستگی متقابل است؛ بلکه برعکس شده و بروز تضاد بین زوجین، بخشی از کار مشترک و دسته‌جمعی خانواده تلقی نمی‌شود.» (سگالن، ۱۳۷۰: ۶۱۱)؛ در صورتی که در خانواده‌های دهقانی یا کارگری در ادوار گذشته به‌نوعی ارتباط شغلی زوجین به همبستگی متقابلی مبتنی بوده و مشکلات بسیار کمتر دیده می‌شد.

فرهنگ و جامعه

علاوه بر برخی از ویژگی‌های شغلی که اقتضاء به تناسب آن منحصرأ در توان زن یا مرد باشد می‌بینیم برخی از عوامل فرهنگی در این مقوله، بی‌تأثیر نیست. «فرهنگ‌ها با توجه به ارزش‌گذاری‌های متفاوتی که نسبت به شخصیت زن دارند، در باب اشتغال زنان دارای برداشت‌های متفاوتی هستند. آن دیدگاه فرهنگی که زن را موجودی هم‌طرز با مرد از لحاظ توان جسمی و روحی می‌داند و زمینه را برای تصدی هر شغلی از سوی زنان هموار می‌بیند، گرچه ممکن است از حیث نظری خصوصاً در کشورهای توسعه‌یافته طرفداران زیادی داشته باشد؛ ولی شواهد نشانگر این واقعیت است که در مقام عمل چندان مورد استفاده قرار نگرفته است.» (گائینی، ۱۳۸۵: ۴۲۱).

به‌عنوان مثال: «در آلمان، از میان دختران و زنان ۱۵ تا ۶۰ ساله شاغل که حدوداً ۴۰٪ از نیروی این کشور را تشکیل می‌دهند بیش از ۷۰٪ آن‌ها در رده‌های پایین اشتغال دارند و اغلب در زمینه مشاغل خدماتی به کار مشغولند.» (مجله ندا، ۱۳۸۹: ۴۸) و نیز در «قانون مدنی برخی از کشورهای اروپایی مانند فرانسه که جزء کامل‌ترین قوانین اروپایی است، اداره کلیه اموال زن اعم از این که قبل از پیمان زناشویی به دست آورده باشد یا پس‌از آن، بازهم به مرد محول گردیده است.» (محقق، ۱۳۶۹: ۳۱۷). به نظر می‌رسد این دو نگرش در فرهنگ عملی نسبت به زن و حقوق او نگرش واقع‌بینانه‌ای ندارند و هر دو در جهت افراط و تفریط طی مسیر می‌کنند. در مقابل اسلام از دید فرهنگی و اجتماعی، با نگرش غایت‌مدارانه به انسان اعم از زن و مرد، تمام خصوصیات مثبت و منفی او را در راستای آن غایت تفسیر می‌کند. با این دید که اگر بخواهیم نظر اسلام را در مورد اشتغال، جویا شویم می‌توان گفت که شغل و اشتغال در هر سطحی از مراتب آن، مطلوبیت مستقلی ندارد؛ بلکه تنها وسیله و ابزاری تلقی می‌شود که با حفظ شرایط و خصوصیات، می‌تواند مقرب انسان به خدا باشد. از این جهت ممدوح به شمار می‌آید و در

غیر این صورت جز مانعی در رسیدن به هدف واقعی تلقی نمی‌گردد.

زندگی گذشته زنان مسلمان در رابطه با وظیفه‌های اجتماعی و خانوادگی شکل یافته است و در جامعه ما به علت محیط اقلیمی و شرایط جغرافیایی و کانون‌های قدرت درون جامعه‌ای و برخوردی آن‌ها با یکدیگر و نیز با قدرت‌های برون جامعه‌ای همواره در تطور بوده است؛ اما نیروهای تعادل‌دهنده جامعه مثل مذهب، فرهنگ، ادب و هنر همانند پایگاه‌های ارزشی در خط دفاع از زنان قرار گرفته است.

«این گروه جنسی جامعه با تمام ناامنی‌های اجتماعی و سیاسی و محرومیت‌های انسانی از مواهب زندگی فردی و جمعی، وظیفه‌های اساسی جامعه را در امر خانواده و تعلیم و تربیت و سوادآموزی و علم و ادب و عرفان و حتی سیاست بر عهده داشتند؛ اما اغلب کارشان بگونه (شیئی)، مورد توجه قرار گرفته است و جز در موارد نادر اغلب در تسلیم قدرت بوده است.» (فشخامی، ۱۳۵۷: ۳۰).

به نظر می‌رسد امروزه، دیدگاه مطرح که مخالف با اشتغال زنان باشد، وجود ندارد و به طور عمده پذیرفته اند که زن می‌تواند در صحنه اجتماع حاضر شود و با پذیرش شغل و مسئولیت‌های دیگر اجتماعی به گردونه تحرکات و فعالیت‌های اجتماعی بپیوندد.

«در جهان غرب گرچه از لحاظ نظری به‌طور کلی گرایش‌ها، به پذیرفتن توان زن برای انواع مشاغل و حرفه‌ها وجود دارد؛ ولی در عمل نشان داده‌شده که کارفرمایان و صاحبان صنایع آمادگی پذیرش این نظر را در صحنه عمل ندارند و زنان معمولاً از تبعیض با مردان در تصدی نوع کارها و مشاغل، دستمزد و بازار کار ناراضی هستند.» (کار، بی‌جا: بی‌تا) که معمولاً به این نوع دیدگاه، تئوری‌های فمینیستی گفته می‌شود.

درست است که اشتغال بیرون از منزل برای زنان حقوق اجتماعی بیشتر از پیش و مزایای بسیاری به ارمغان می‌آورد، لیکن با یک بازنگری بر زندگی خانوادگی زنان شاغل می‌توان دریافت که اشتغال برای آنان و دیگر اعضای خانواده‌شان مشکلاتی نیز به همراه داشته است که البته این موضوع صرفاً مختص به زنان ایرانی نبوده و در سایر کشورها نیز مطرح است.

موقعیت شغلی و اجتماعی

بررسی‌ها و تحقیقات انجام‌شده در مورد موانع غیر از خانواده در کارآفرینی زنان در کشورهای مختلف نشان می‌دهد، به‌طور کلی غیر از خانواده، کارآفرینان با دو نوع مانع روبرو هستند: «یکی موانع شروع کار که در مرحله آغازین کار عبارتند از: کمبود تجربه کار، دشواری کسب

سرمایه و بی‌تجربگی در برنامه‌ریزی مالی و شکل دوم که در ادامه کار است، عبارتند از: هدایت سرمایه و دشواری در جلب مشتری.» (صابر، ۱۳۸۲: ۲۹). در یک بررسی انجام‌شده از ۱۴۰ کارآفرین زن در آمریکا، موانع عمده آنان در زمینه راه‌اندازی و ادامه کار، به‌صورت جدول زیر نشان داده شده است:

جدول ۱- مشکلات عمده زنان کارآفرین در زمینه راه‌اندازی و ادامه کار. مأخذ: (Hirich, 1984: 73)

مشکلات راه‌اندازی	مشکلات در ادامه کار
۲۰٪ کمبود مهارت‌های حرفه‌ای	۱۹٪ کمبود تجربه برنامه‌ریزی مالی
۲۸٪ تأمین سرمایه	۱۵٪ تلاقی امور شرکت با مسائل شخصی
۲۰٪ بی‌تجربگی در برنامه‌ریزی مالی	۱۳٪ موقعیت جانبی ضعیف
۲۱٪ موقعیت جانبی ضعیف	۱۱٪ کسب سرمایه
۲۱٪ کمبود راهنمایی و مشاوره	۱۱٪ کمبود مهارت‌های حرفه‌ای

در این بررسی بزرگ‌ترین مشکل زنان در مرحله راه‌اندازی، تأمین سرمایه و در مرحله ادامه کار، کمبود تجربه در برنامه‌ریزی مالی است.

مطالعه دیگری که در مورد ۱۲۹ زن کارآفرین آمریکایی انجام‌شده نشان می‌دهد که ۳۴٪ آنان در جلب سرمایه گذاری دچار مشکل بوده‌اند و مدیریت مالی را دومین مشکل عمده خود ذکر کرده‌اند. بسیاری از مطالعات به‌عمل‌آمده، در حالی است که در مقایسه با مردان، زنان، مشکلات بیشتری در جلب سرمایه‌دارند (Buttner, 1997: 92). مطالعه دیگری که از طریق مصاحبه با زنان کارآفرین شرکت‌کننده در برنامه آموزشی توسعه کارآفرینی زنان (WEB) در رومانی انجام‌شده، آشکار نمود که اکثر آن‌ها احساس می‌کنند که مهم‌ترین موانعی که در ابتدای راه باید بر آن‌ها غلبه کرد موانع درونی از جمله ترس از شکست، کمبود حمایت مادی و معنوی و نبود الگوی مناسب هستند.» (Sandor, 1999: 5). سازمان بین‌المللی کار در سال ۱۹۹۸ م موانع زنان را به صورت زیر دسته‌بندی کرده است. خلاصه‌ای از این موانع در ذیل آمده است:

۱- موانع رفتاری: زنان اعتمادبه‌نفس کمتر و تصویری

منفی از خود دارند.

۲- موانع ایفای نقش: تعارض بین وظایف مختلف از جمله وظایف خانوادگی با محدودیت‌های زمانی دیده می‌شود.

۳- موانع فرهنگی و اجتماعی: مانند دید منفی نسبت به زنان در کار و از سوی افراد جامعه. این باور که زنان بایستی وظایف دیگری به عهده داشته باشند، محدودیت‌هایی بر حسب نوع شغل انتخابی، کمبود حمایت خانوادگی و کمبود تغییرپذیری و غیره را برای ایشان بوجود می‌آورد.

۴- موانع شغلی: زنان فرصت‌های کمتری در بخش رسمی اقتصاد برای پیشرفت مهارت‌های خود دارند.

۵- موانع زیربنایی: دسترسی به اعتبار، فن‌آوری، خدمات حمایتی، زمین و جا و اطلاعات اصولی برای زنان مشکل‌تر است.

۶- موانع قانونی: فعالیت‌های قانونی مستقل برای زنان محدود است. (Buttner, 1997: 102)

تحلیلی بر موانع کارآفرینی در ایران

در بررسی انجام‌شده بین آمارهای گرفته‌شده در سال‌های ۱۹۰۰ تا ۲۰۱۳ م در ایران و خارج از ایران شباهت‌های مشترک در نوع مشکلات زنان کارآفرین در اقصی نقاط دنیا وجود دارد. در سال ۱۳۹۲ در مورد موانع و نوع برخورد با موانع بین ۳۸ نفر از زنان کارآفرین در حرفه هنر و صنایع دستی انجام گرفت که آثارشان را در بازارهای خرد و کلان شهری عرضه می‌کردند. از نظرات و ایده‌های آنان که به‌صورت مصاحبه بود نتایج ذیل حاصل شد:

جدول ۲- مشکلات عمده زنان در ادامه کارآفرینی (مأخذ: نگارنده)

مشکلات انسانی و خانوادگی	مشکلات شغلی
۷۰٪ مشکل در تقسیم مسئولیت کار خانه و کار بیرون از خانه	۴۰٪ ضعف در تجربه کاری و برنامه‌ریزی
۳۰٪ عدم حمایت خانواده در نوع حرفه	۸۰٪ نداشتن مکان برای ارائه تولید
۵۰٪ نبود انگیزه روانی در توسعه تولید	۹۰٪ نبود حمایت‌های بیمه و پشتیبانی مسئولین برای عرضه داخلی و خارجی
۹۰٪ نیاز به حمایت دولت برای مشاوران شغلی	۸۰٪ کمبود سرمایه و نداشتن ضامن برای وام‌های کارآفرینی

در ایران نیز همانند اغلب کشورهای در حال توسعه، تحمل مسئولیت منزل از سویی و فقدان پشتوانه اقتصادی جهت فعالیت‌های اجتماعی درآمدزا، اجازه فعالیت موفق حرفه‌ای را به زنان در زمینه هنرهای صناعی خارج از منزل نمی‌دهد. به این جهت انگیزه روانی کارآفرین در توسعه تولیدی‌اش از بین می‌رود. همچنین، عدم بهره‌مندی از فرصت‌های مشارکت اقتصادی برای زنان، تجربه موفق را در کسب و کارشان پایین می‌آورد؛ بنابراین اغلب متقاعد شده بودند که شدیداً محافظه‌کار باشند و اگر در بیرون کار می‌کردند، سعی داشتند مسئولیت یک زن خانه‌دار را نیز تمام و کمال عهده‌دار باشند. در غیر این صورت ضربه دو جانبه‌ای از سوی کارفرما و افراد منزل، همان اندک آرامششان را نیز به هم می‌زد.

زنان همواره از نداشتن تجربه در امور تجاری و بازاریابی محصولات هنری‌شان، مدیریت مالی، برنامه‌ریزی اقتصادی و تولیدی جهت ورود و دخالت در چنین اموری هراس و دلهره داشتند و دلیلش را این گونه بیان می‌کردند که زنان در جامعه اقتصادی هنوز به اندازه مردان آزادی انتخاب در مکانهای سرمایه‌گذاری، نوع فعالیت تولیدی و وسعت دادن به بازار کارشان را ندارند.

«هنوز بانکها و موسسات مالی به زنان نگرش منفی دارند و زنان همیشه در فراهم نمودن یک وثیقه تضمین شده جهت راه‌اندازی یک فعالیت کارآفرینی مشکل دارند.» (نجفی، ۱۳۷۹: ۷۸).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کار برای همه و ایجاد اشتغال کامل را از وظایف دولت می‌داند. در اصل ۲۸ در قانون اساسی عنوان شده است که: «دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد، امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.» در اصل ۴۳ بند ۲ از وظایف دولت نیز آمده است که: «تأمین شرایط و امکانات کار برای همه و به منظور رسیدن به اشتغال و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند از وظایف دولت است.»

قانوناً این گونه است که در ارائه تسهیلات لازم، از طریق اعتبارات مندرج در تبصره‌های بودجه کشور عمل می‌شود و توسعه و ایجاد فرصت‌های اشتغال، صنایع‌دستی و سنتی مولد در غالب سیاست‌های کلی اشتغال کشور از الویت ویژه‌ای برخوردار است؛ اما عملاً باید انتظار حمایت بیشتری را از دولت انتظار داشت.

متأسفانه در ایران نهاد یا سازمان دولتی که مختص کارآفرینی باشد، وجود ندارد تنها در برخی از وزارتخانه‌ها و نهادهای دولتی حمایت‌های محدودی از خوداشتغالی مشاهده می‌گردد. این حمایت به صورت عمومی بوده و

زنان نیز هم چون مردان در حد امکان از آن بهره‌مند می‌شوند که در نتیجه با در نظر گرفتن مشکلات خاصی که برای زنان در اشتغال به وجود می‌آید، برنامه ویژه‌ای برای حمایت از زنان خود اشتغال مشاهده نمی‌شود.

البته نهادهایی وجود دارد که به تناسب وظایف و رسالت خود در حمایت از نیروهایی که به صورت فردی و یا به صورت تعاونی ایجادکننده کسب بوده و یا خدماتی ارائه می‌دهند، وجود دارند، مثل وزارت کار و امور اجتماعی، طرح خود اشتغالی وزارت جهاد کشاورزی، سازمان مرکزی تعاون روستایی اداره توسعه و آموزش‌های تعاونی‌های روستایی زنان، اداره کل صنایع‌دستی و فرش دستباف، مدیریت زنان روستایی و عشایر، بانک کشاورزی وزارت تعاون، گروه تعاونی‌های زنان، سازمان‌های صنایع‌دستی، بهزیستی، کمیته امداد و مرکز امور مشارکت زنان که البته در این سازمان هیچ برنامه آموزشی، پژوهشی و ترویجی در جهت توسعه کارآفرینی زنان عملاً مشاهده نمی‌شود. به طور کلی نهادهای دولتی فوق‌الذکر هیچ‌یک سرفصل معینی تحت عنوان کارآفرینی در برنامه‌های خود تاکنون در نظر نداشته‌اند. به همین نسبت برای زنان کارآفرین نیز برنامه‌ای مشاهده نشده است و تنها در سطح محدودی مبادرت به اعطای تسهیلات مالی از محل تبصره‌های قانون بودجه و اجرای برنامه‌های آموزش برای خود اشتغالان و از جمله زنان خود اشتغال نموده‌اند.

در این میان نهادهای غیر دولتی (NGO) متشکل از گروهی افراد هم هدف به صورت داوطلبانه و غیر انتفاعی بدون وابستگی به دولت، نیز وجود دارند که در جهت اهداف و موضوعات معینی فعالیت می‌نمایند و اهداف آنان می‌تواند حول موضوعات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، آموزش و یا امور خیریه‌ای باشد؛ اما این نهادهای غیر دولتی به چند دلیل موفق نبوده‌اند:

- ۱- ضعف پشتوانه مالی.
- ۲- پذیرفته نشدن الگوهای پیش‌ساخته سازمان‌های غیر دولتی به دلیل عدم هم‌خوانی آن‌ها با بافت فرهنگی-اجتماعی ایران.
- ۳- عدم توانایی و آشنایی با اصول روش‌های سنتی تشکل‌های مردمی از سوی سازمانهای غیر دولتی فعال و نظام‌یافته.
- ۴- فقدان حمایت‌های همه‌جانبه ناشی از سیاست‌های کلان کشور.
- ۵- اکثریت سازمان‌های غیردولتی به‌نوعی به دولت وابسته‌اند و یا گرایش دولتی دارند. در نتیجه، موقعیت زنان کارآفرین بخصوص در حرفه‌های صناعی، ملزم در نظر گرفتن و داشتن چهار نوع سرمایه است:

۱- سرمایه‌های فیزیکی

۲- سرمایه‌های مالی

۳- سرمایه‌های اجتماعی و انسانی

منظور از سرمایه‌های فیزیکی، زیرساخت‌ها است و سرمایه مالی عبارت است از وام با سرمایه لازم که در دسترس صاحبان مشاغل قرار دارد. «سرمایه اجتماعی نیز منابع تأمین‌شده از طرف شبکه‌های حمایتی است که از طرق مختلف به کارآفرینان یاری می‌رساند و سرمایه انسانی، شامل خصوصیات فردی از قبیل تحصیلات، مهارت مالی کارآفرینان و تجربه کاری است.» (Hisrich, 1985: 5)

راهکارهایی جهت خنثی نمودن موانع کارآفرینی در هنرهای صناعی

بر همه مبرهن است هنرهای پرمایه بومی، همیشه سرمایه مادی و معنوی و الهام‌بخش هنرهای جدید بوده و هست. چه بسا هنر مندانی خلاق و تیزبین بارها با الهام از این هنرهای بومی و اصیل سبک‌های بزرگ و جدیدی در هنر خود متجلی کرده‌اند. یکی از بزرگ‌ترین این منابع، هنر منسوجات روستایی و عشایری است که از لحاظ نقش و رنگ بسیار غنی هستند و برای اشتغال‌زایی و کارآفرینی زنان و جوانان کشور در فضای هنری اقتصادی هم دارای سوژه‌های زیبا و متعالی و هم کاربردی از نظر کسب درآمد هستند.

باید اذعان داشت که دلیل این همه اصرار از احیای هنرهای صناعی روستایی این است که هر موتیف یا نگاره‌ای که در روستا یا عشایر خلق می‌شود، سالها تجربه، داستان و باورها و نیز تفکری بکر و خلاق در پس خود دارد و از نظر جلب مخاطب و مشتری نیز عامه‌پسندتر است؛ چون بنوعی، در خاطره جمعی مخاطبین اشاراتی از آن ضبط‌شده است. این دستاوردهای هنری بیشتر از ساخته‌های هنری شهری و امروزی، مصداق عامه‌پسند می‌یابند.

«در جهان امروز هنر بیشتر پیرو نیازهای ویژه اجتماعی است و به‌عنوان وسیله‌ای ساده برای روشنگری و تبلیغ و همسویی آن با نیازهای معنوی و مادی انسان است؛ از این جهت انسان‌ها برای رفع نیازهای معنوی و حتی مادی ناگزیر به درک عمیق هنر و کاربردهای خلاق آن به‌عنوان یک صنعتگر یا هنرمند هستند؛ از این‌رو راه‌کارهای درست، کمک می‌کند که با تولیدات هنری خود در اثر کسب هنر، نیازهای اقتصادی خانواده را تأمین و از این رهگذر، به پیشرفت صنعتی جامعه کمک بزرگی گردد.» (صابر، ۱۳۸۲: ۷۸).

هنرهای سنتی ایران که به‌نوعی هنرهای صناعی نیز در حیطه آن قرار می‌گیرند، در پیوند با اعتقاد و بینش و اندیشه، فرهنگ، آداب‌ورسوم و سنن، محیط‌زیست و زندگی مردم و آیین دینی و اسلامی شکل گرفته و به ما

رسیده‌اند و بار شناخت و تحویل شایسته و متعالی آن به آیندگان بر دوش ماست.

بنابراین راه‌کارهای ذیل می‌تواند دلیلی بر کمرنگ شدن موانع در کارآفرینی و رشد آن باشد:

۱- محو یا کاهش تبعیض جنسی و تبلیغ در ایجاد بستر فرهنگی مناسب تا زنان هر چه بیشتر بتوانند در صحنه‌های اقتصادی و اجتماعی و هنری حضورداشته باشند.

۲- ایجاد تسهیلات و شرایط مناسب از نظر مکانی و زمانی و اقتصادی برای اینکه زنان به تحصیلات و کسب دانش و مهارت‌های مدرن فنی و مدیریتی دسترسی داشته باشند.

۳- با ایجاد نشریات تخصصی در رابطه حرفه و کارآفرینی، زنان بتوانند با الگوهای موفق زنان کارآفرین دیگر در اجتماع آشنا شوند.

۴- شرایطی ایجاد شود که زنان کارآفرین به منابع تولید نیز دسترسی و احاطه داشته باشند.

۵- فرصت‌های شغلی که بادوام و همیشگی است از طریق موسسات حمایتی شناسانده شود.

۶- کاغذبازی و مراحل اداری وقت‌گیر برای تأسیس شرکت‌های کارآفرینی از بین برود و در حداقل زمان به نتیجه برسد.

۷- در مورد کانالهایی که می‌توانند توزیع خدمات مالی و غیر مالی برای زنان کارآفرین داشته باشند، اطلاع‌رسانی شود.

۸- برای ایجاد شبکه‌ها و تضمین همکاری مناسب بین بخش‌ها و موسسات دولتی و غیردولتی جهت پیشبرد و توسعه در کسب کار و کارآفرینی موارد ذیل در نظر گرفته شود: الف- تعلیم مدیریت و مهارت‌های فنی ب- انتخاب فن‌آوری پ- اطلاعات موردنیاز ت- مشورت‌های قانونی و خریدوفروش در بازار ث- مدیریت و تقویت کسب اطلاعات مربوط به زمینه‌های مختلف مشارکت زنان ج- انتشار وسیع و گسترده اطلاعات در مورد فرصت‌های شغلی موجود و خدمات حمایتی چ- به دست آوردن جلب همکاری در برنامه‌های مرتبط با زنان کارآفرین. ح- تقویت نهادهای مشاوره‌ای جهت خدمات‌رسانی به زنان کارآفرین.

نتیجه

با توجه به مطالبی که پیشتر بیان شد، می‌توان این گونه نتیجه گرفت که در ایران شرایط اقتصادی به گونه‌ای است که توسعه کارآفرینی می‌تواند فرصت مناسبی برای مواجه با بحران‌های موجود جهت افزایش قابلیت‌های تولیدی و خدماتی را فراهم سازد؛ اما در این جریان، موانع و مشکلات بسیار است. با پشتیبانی از هنرهای

رهگذر به پیشرفت صنایع جامعه کمک کنند.
بنابراین اعم راه‌کارها جهت رشد و از بین رفتن موانع کارآفرینی عبارتند از:
۱- محو تبعیض جنسیتی.
۲- ایجاد تسهیلات مکانی و زمانی و اقتصادی برای کسب مهارت‌های مدرن فنی و مدیریتی.
۳- تولید نشریات تخصصی در رابطه با حرفه کارآفرینی.
۴- ایجاد فرصت‌های شغلی بادوام‌تر.
۶- از بین رفتن مراحل سخت اداری و کاغذبازی.
۷- حمایت‌های دولتی و همکاری وزارت کار و امور اجتماعی و دیگر نهادها.
در مجموع، آنچه کارآفرینان در آن هم‌عقیده هستند این است که مسئولیت‌پذیری، پشتکار، علاقه به نوآوری، خطرپذیری، توسعه طلبی، استقلال طلبی و از همه مهمتر داشتن درخواست‌های مکرر از مسئولین دولتی جهت تأمین نیازهایشان و همین‌طور حمایت چند جانبه که در جریان پژوهش مکرر به آن‌ها اشاره گردید، در محو نمودن موانع کارشان مفید است. در نتیجه حمایت وزارت کار و امور اجتماعی و دیگر نهادهای دولتی و سازمان‌های مرکزی تعاون روستایی، اداره کل صنایع دستی، سازمان بهزیستی و کمیته امداد امور مشارکت زنان، توان کارآفرینان را صدچندان افزایش می‌دهد.

اصیل کشور (هنرهای صنایع) که چهره واقعی آن را در روستاها و عشایر به‌وضوح می‌بینیم و با حمایت از زنان کارآفرین مطمئناً جلوه‌های جدید و خلاق ایجاد شده و با قومیتی ماندنی نه تنها در ایران بلکه در بازار بین‌المللی نیز نمود خواهد کرد.
اعم موانع کاری که در مطالعه کیفی بررسی موقعیت شغلی در زنان کارآفرین هنرهای صنایع دیده شد عبارتند از:
۱- مشکل در تقسیم مسئولیت کار خانه و کار بیرون از خانه، عدم حمایت خانواده در نوع حرفه.
۲- نبود انگیزه روانی در توسعه تولید به دلیل مشکلات شغلی.
۳- ضعف در تجربه کاری و برنامه‌ریزی.
۴- نداشتن مکان برای ارائه تولید.
۵- نبود حمایت‌های بیمه و پشتیبانی مسئولین برای عرضه داخلی و خارجی و کمبود سرمایه و نداشتن ضامن برای وام‌های کارآفرینی.
با توجه به اینکه در جهان امروز هنر جزء نیازهای ویژه اجتماعی است، کارآفرینان در این زمینه برای رفع نیازهای معنوی حتی مادی خود احتیاج به تبلیغ نهادهای دولتی جهت درک عمیق هنر و کاربردهای خلاق آن به‌عنوان یک صنعتگر دارند تا با تولیدات هنری خود، نیازهای اقتصادی خانواده را همانند حرفه‌های دیگر تأمین و از این

پی‌نوشت

۱- NON GOVERNMENTAL ORGANIZATION

منابع

- ابوذری، محمد (۱۳۸۴). *آشنایی با میراث هنری و فرهنگی ایران*، تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
-ابن عربی (۱۴۰۷). *احکام القرآن*، بیروت: موسسه دارالجبل.
-بخت آور، الهه (۱۳۸۴). «*بازنگری هنرهای روستایی از دیدگاه مدرن*»، ماهنامه جهان هنر، ش ۱، صص ۱۴-۷.
-سگال، مارتین (۱۳۷۰). *جامعه‌شناسی تاریخی خانواده*؛ ترجمه‌ی حمید الیاسی، تهران: نشر مرکز.
-صابر، فیروزه (۱۳۸۲). *کارآفرینی زنان ایران*، تهران: نشر روشنگران.
-فشخامی، مسعود (۱۳۵۷). *نقش زن در حکومت اسلامی*، تهران: نشر اسلامی.
-کار، مهرانگیز (بی‌تا). *زنان در بازار کار*، بی‌جا.
-گائینی، ابوالفضل (۱۳۸۵). *نقش جنسیت در اشتغال و دیدگاه اسلام*، تهران: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
-نجفی، میترا (۱۳۷۹). *تواناسازی زنان روستایی از طریق کارآفرینی*، تهران: انتشارات دفتر امور زنان روستایی.

-محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۶۹). *بررسی فقهی حقوق خانواده*. تهران: نشر علوم اسلامی.
-ولکجی، شهناز (۱۳۸۲). *بررسی مزایا و معایب اشتغال خارج از منزل زن در خانواده*. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
-بی‌نام (بی‌تا). «*وضعیت اجتماعی حقوق زن در آلمان*»، نشریه ندا، ش. ۲۷، صص ۱۷-۱۳.

-Buttner E.Holly(1997). *Women Entrepreneurs Moving Beyond the glass ceiling*. Dorothy P.moor-SAGE.
-Hisrich, R. (1989). The woman Entrée reneur characteristics problems and prescriptions for success. *Academy of Management Journal*.
-Sandor, M., (1999). *Women Entrepreneurship in central and Eastern Europ*.Management:600.

References

-Abozar,M.(2006). *An Introduction to Iranian Inheritance and Culture*. Tehran: Organization for Education Research and Planning (Text in Persian).
-BakhtAvar, E. (2006). A Review of Rustic Arts Based on a Modern Point of View, *Jahan Honar Journal*, No. 1. p. 7-14 (Text in Persian).
-Buttner E.H.(1997). *Women Entrepreneurs Moving Beyond the glass ceiling*. Dorothy P.moor-SAGE (Text in Persian).
-Fashkamy, M.(1979). *Women's Impression in Islamic Government, Islami*: Tehran (Text in Persian).
-Gaeny, A., (2007). *Impression of Gender in Business and Islamic Point of View*, Tehran: Ferdowsi university of Mashhad (Text in Persian).
-Hisrich, R. (1989). The women Entrée render characteristics problems and prescriptions for success. *Academy of Management Journal* (Text in Persian).
-Ibn Arabi (1997). *Ahkam Al- Quran*. Beirut: Daroljabal Organization(Text in Persian).
-Kar, M. (no date). *Women in Business Market*, no place (Text in Persian).
-Mohagheghdamad, sayed M.(1991). *Jurisprudence Study of Family Law*, Tehran: Islamic center (Text in Persian).
-Mosavelar, M. (2004). woman face in history and Iran mythology, *Jelveh honar*, Alzahra University, vol. 22.p.93 (Text in Persian).
-Mostafave, Fareba(2009). Responsibility of designers, *Jelveh honar*, Alzahra University. Vol. 1 .summer(Text in Persian).
-Najafy, M., (2007). *Enabling villager women through Entrepreneurship*, Tehran: Rural Women Affairs Bureau(Text in Persian).
-No name(no date).Social Condition of Women's Right in Germany. *Neda Journal*, No. 27. (Text in Persian).
-Saber, F. (2004). *Iranian women's intrepenureship*, Roshangaran (Text in Persian).
-Segalen, M., (1997). *Historical Anthropology of the Family*, translated by Hamed Elyasee, Tehran: Markaz(Text in Persian).
-Sandor, M., (1999). *Women Entrepreneurship in central and Eastern Europ*.Management:600(Text in Persian).
-Velkajy, S.(2002). *Studying Advantages and Disadvantages of Women Working outside the House*. Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad (Text in Persian).

Study of Factors Inhibiting Growth of Entrepreneurship in Synthetic Arts¹

M.Alhashem²
M. AmirInanlou³

Received:2014.9.2
Accepted:2015.6.7

Abstract

Entrepreneurship is applied to a kind of effort which will be done by knowing and being aware of opportunities, working and communicative skills in human resources. Such effort will result in presenting new productions, new method in production process, new market, new resources and finally creating new organizational procedures in working industry including synthetic arts. The issue is to know and presenting solutions to correct obstacles which are usually created in process of activity and final interest due to the lack of support from state organizations. Main goal is to analyze and recognize obstacles which prevent feedbacks and useful application. Results of present study show that creating proper individual, organizational, environmental and educational context and targeted support could be considered as growth factor and useful efficiency in developing entrepreneurship of woman distributing synthetic arts and presenting material support. meanwhile creating proper environment will prepare entrepreneurs, who have the basis of working and potential ability but are not a part of working and development chain in country due to lack of enough capital, production tool and proper location to present goods and services, in such manner they will be prepared for optimized activity. Such supports include presenting credit facilities, support from Ministry of Labor and Social Affairs and other state organizations, central organizations of rural cooperation organizations, Handicrafts administration, Welfare organization, Relief Committee for Women's Participation and etc. Which will increase power and working abilities of entrepreneurs.

Key words: entrepreneurship, growth factors, growth solutions, inhibiting factors

1. DOI: 10.22051/jjh.2017.157.

2. M.A. of Art research. Islamic Azad University of Ramsar. mehnaz_alehashem@gmail.com

3. Assistant professor, Grafic Faculty, Alzahra University. m.enanlo34@yahoo.com